

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Elucidating the Concept of Non-Institution and Its Role in Establishing
Immanent Connection in Architecture and Urban Settings (A Case Study of the
Edges of Buildings Surrounding the Jame' Mosque in Shahrak-e Gharb, Tehran)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تبیین مفهوم نا-نهاد و نقش آن در ایجاد پیوستگی درون ماندگار ساختمان و شهر

(مطالعه موردی: لبه ساختمان های محدوده مسجد جامع شهرک غرب تهران)*

میلااد حیدری^۱، علی اصغر ملک افضلی^{۲*}، مهتا میرمقتدایی^۳

۱. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴

چکیده

بیان مسئله: یکی از اصلی ترین دلایل ایجاد یا توسعه ساختمان ها، تأمین فعالیت های جاری و بالقوه انسان هاست. این درحالی است که امروزه توجه صرف به توسعه کالبدی، موجب کم رنگ شدن فعالیت های انسانی در لبه ها و کاهش احساس پیوستگی ساختمان و شهر شده است. پرسش پژوهش این است که مؤلفه های تأثیرگذار بر پیوستگی درون ماندگار ساختمان و شهر کدام ها هستند؟
هدف پژوهش: پیوستگی ساختمان و شهر در قالب مجموعه ای از عوامل تعریف می شود که در آن نهاد به عنوان عامل اجتماعی و ارتباط دهنده مقیاس های خرد و کلان نقشی محوری ایفا می کند و دارای دو ویژگی فرمی و فعالیتی است. جهت ارائه تعریف عملیاتی از مفهوم نهاد، زمینه ای به عنوان محدوده مورد مطالعه معرفی می شود و سعی می شود با شناخت شاخصه های نهاد، نا-نهاد و نقش آن در پیوستگی درون ماندگار ساختمان و شهر تبیین شود.

روش پژوهش: روش تحقیق پیش رو کیفی است. به گونه ای که در سطح پارادایم دارای نگرش رهایی بخشی است، از راهبردهای مردم نگاری و نظریه زمینه ای بهره می برد و در فرایندی چرخه ای و تعاملی از گردآوری، تلخیص، نمایش داده ها و ارزیابی حرکت می کند.

نتیجه گیری: یافته های تحقیق حاکی از آن است که نهاد دارای نه شاخصه سابقه، زمان، انگیزش، جزئیات، شفافیت، محصوریت، نفوذپذیری، رابطه و پرسپکتیو است. این شاخصه ها معیارهایی عینی هستند که در کنار هم ویژگی های نهاد را توصیف می کنند. تبیین مفهوم «نا-نهاد» به جهت رهایی بخشی مفهوم «نهاد» از قید تعاریفی است که در اثر تکرار و روزمرگی بر پیکر آن می نشیند. نا-نهادهای آینده ای هستند که نهادهای موجود می آورند و تغذیه می کنند، نظیر ایده های مربوط به زمینه های فرهنگی، آداب و رسوم، باورها و تمام آنچه که انسان ها را به هم مرتبط می کنند. بنابراین شاخصه های نهاد پل ارتباط و اتصال ما با نا-نهادهای هستند. از این رو پیوستگی درون ماندگار ساختمان و شهر به معنای آن است که چه میزان نا-نهادهای در لبه ساختمان ها امکان بروز یافته اند. شهری که بیشتر امکان بروز به نا-نهادهای خود بدهد، پیوسته تر به نظر خواهد رسید.

واژگان کلیدی: پیوستگی درون ماندگار، رهایی بخشی، نا-نهاد، لبه ساختمان ها.

*میرمقتدایی در سال ۱۴۰۳ در دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی به انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۲۲۱۲۳۶@iaou.ac.ir، aliasghar.malekafzali

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «میلااد حیدری» با عنوان «پیوستگی فضایی ساختمان با شهر در زمینه توسعه فعالیت های انسانی در لبه ها» است که به راهنمایی دکتر «علی اصغر ملک افضلی» و مشاوره دکتر «مهتا

مقدمه

تفکر اثبات‌گرای^۳ علم مدرن است، یکی از اهداف این پژوهش است. بدین منظور پس از مروری بر پیشینه پژوهش و ارائه مختصری از مطالعات میدانی که در زمینه لبه ساختمان‌ها در سال‌های اخیر انجام شده، نا-نهاد و نقش آن در ایجاد پیوستگی درون‌ماندگار ساختمان و شهر به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش تدوین می‌شود. در ادامه تلاش می‌شود مدل ایجاد شده، همچون فرضیه‌ای که به آزمون گذاشته می‌شود در شهر حرکت داده شود. از این‌رو دو متغیر فرم و فعالیت در لبه‌ها در محدوده مورد مطالعه به‌عنوان دو زیرمجموعه نهاد، ابتدا به‌صورت مستقل و سپس در تلاقی با هم مورد مشاهده، بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند. نتیجه مطالعات میدانی راه به شناخت شاخصه‌های فرمی و فعالیتی نهاد می‌برد، با این هدف که بتوان به‌صورت عملیاتی مفهوم نا-نهاد و راه دستیابی به آن را تبیین کرد.

پیشینه پژوهش

از جمله مطالعات کاربردی انجام شده در زمینه لبه ساختمان‌ها پژوهش یان گل با عنوان «مکان‌های مناسب برای ایستادن» است که پرتعدادترین نقاط برای ایستادن را کنار ستون رواق‌ها، زیر رواق‌ها و در امتداد جداره‌ها معرفی می‌کند. این مطالعه توجه را به سمت اهمیت لبه‌ها و نقش کلیدی آنها در ایجاد پیوستگی فضایی ساختمان و شهر جلب می‌کند. اثر لبه‌ها از این حقیقت که مردم تمایل دارند در لبه فضاها توقف کنند، صحبت می‌کند (ن.ک. گل، ۱۳۹۶، ۸۴). توماس گیل لویز (Lopez, 2001) هم در رساله دکتری خود به تأثیر طراحی لبه‌ها و نماها بر رفتار عابرین پیاده در خیابان‌های شهری شلوغ پرداخته است. وی بیان می‌کند که شفافیت، جزئیات و فرورفتگی‌های بیشتر نما، فعالیت‌های بیشتری را در پیاده‌رو در مقابل نماها ایجاد می‌کند. یان گل (Gehl, 2006) در مقاله «مواجهه از نزدیک با ساختمان‌ها»، نماهای طبقه همکف^۵ را، به‌عنوان یک ارتباط مهم بین مقیاس‌های بزرگ و کوچک و بین ساختمان‌ها و مردم تعریف می‌کند. وی در تحقیق «اهمیت حیاط جلویی» در پی پاسخ به این پرسش بود که آیا حیاط جلویی نیمه‌خصوصی تأثیری بر روی زندگی در خیابان‌ها دارد؟ این مطالعه نشان داد که حیاط‌های جلویی نقش پررنگی در زندگی اجتماعی خیابان‌ها دارند، که پس از انتشار آن مقررات ساختمانی سخت‌تری برای جلوگیری از محصور شدن حیاط جلویی در پشت دیوارها و نرده‌ها وضع شد (گل، ۱۳۹۶، ۹۸). البته، نکته‌ای که گل به آن اشاره نمی‌کند، بررسی نقش فرهنگ در شکل‌گیری زندگی همگانی^۶ است. تمامی مثال‌های وی از شهرهای کشورهایی است که دوران صنعتی را پشت سر گذاشته‌اند و شرایط پیاده‌سازی این الگو در سایر فرهنگ‌ها ارائه نشده است. در پژوهشی دیگر با عنوان «زندگی در لبه: اثرات نمای سه‌بعدی ساختمان بر رفتار اجتماعی عمومی»

امروزه با توجه به روند خصوصی‌سازی در شهرها، مؤسسات، سازمان‌ها، ادارات و به‌تبع آن ساختمان‌های شهری در حال گسترش و بزرگ‌تر شدن هستند. با این وجود توجه به لبه ساختمان‌ها، به‌عنوان مرز، جداکننده و پیونددهنده ساختمان و شهر، در شهری مانند تهران، در هر سه مقیاس محلی، منطقه‌ای و شهری، محدود به طراحی نمای دو‌بعدی شده و به چگونگی توسعه فعالیت‌های انسانی در لبه‌ها و نحوه ارتباط کاربران داخل و بیرون ساختمان‌ها پرداخته نمی‌شود.

توسعه فعالیت‌های انسانی در لبه‌ها را می‌توان ذیل مفهوم پیوستگی ساختمان و شهر تعریف کرد که یکی از مفاهیم کیفی و بین‌رشته‌ای طراحی محیط است. پیوستگی ساختمان و شهر دارای ابعاد و عوامل مختلفی است (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸)، به‌گونه‌ای که نظریات پیوستگی ساختمان و شهر، در قالب چهار عامل کالبدی، کارکردی-رفتاری، معنایی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌شوند. عواملی که در یک سطح و کنار هم قرار نمی‌گیرند؛ بلکه درون شبکه‌ای پنهان و در قالب سه مقیاس کلان، واسط و خرد با یکدیگر در ارتباط‌اند. عوامل معنایی مقیاس کلان، عوامل اجتماعی مقیاس واسط و عوامل کالبدی و کارکردی-رفتاری مقیاس خرد را تشکیل می‌دهند (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱). در این شبکه عوامل اجتماعی نهادها هستند که به‌عنوان مقیاس واسط، مسئولیت‌نظم‌دهی و سازمان‌دهی دو مقیاس کلان و خرد را بر عهده دارند.

نهاد^۱ در تعاریف جامعه‌شناسی، شبکه‌ای از پویاها^۲ و جریان‌های پیچیده اجتماعی است که ناظر به هدف معینی هستند و کل یگانه‌ای به‌شمار می‌آیند. چون این پویاها به یاری وسیله‌هایی محقق می‌شوند، کلمه نهاد اجتماعی گذشته از معنی اصلی خود، بر محل و ساختمان‌ها و سایر وسایلی که برای این پویاها ضرورت دارند، نیز دلالت می‌کند (آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۸۸، ۳۱۵). بنابراین یک نهاد مجموعه‌ای از قرارگاه‌ها یا مکان‌های رفتاری است که حدودی روشن، نظمی هنجاری، مسئولیت‌های رده‌بندی شده، نظام ارتباطی و نظام برنامه‌ریزی شده عضویت دارد (لنگ، ۱۳۹۰، ۱۹۰).

بنابراین تعریف ارائه شده، نهاد مجموعه‌ای از روابط آشکار و پنهان است که مقیاس کلان عوامل معنایی پیوستگی ساختمان و شهر، یعنی عواملی که ناشناخته هستند را با عوامل مقیاس خرد یعنی ویژگی‌های عینی فعالیتی و فرمی یا الگوهای جاری رفتار و محیط فیزیکی پیوند می‌دهد. در نظریه‌های هنجاری معماری و طراحی شهری به تأثیر طراحی کالبدی در شکل‌دادن و تأثیر بر فعالیت‌های انسانی توجه زیادی شده است؛ اما تاکنون ماهیت و نقش مفهوم نهاد در ایجاد پیوستگی ساختمان و شهر مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع انتقاد به پرداختن به رابطه یک‌جانبه محیط کالبدی و تأثیر آن بر نهاد که محصول

داشته‌اند یا حتی نسل‌های آینده که تجربه مشابه خواهند داشت برقرار می‌شود. بنابراین تجربه مشابه از طریق حضور در کنار دیگران، آداب و رسوم و آیین‌ها، جشن‌ها، افکار عمومی و ... به دست می‌آید (مدنی‌پور، ۱۳۸۷، ۲۶۶).

مجموعه مفاهیم فوق، یعنی اجتماع منسجم محلی، کسب تجربه مشابه، آیین‌ها و مراسم و توجه به خواست و نیازهای افراد را می‌توان ذیل مفهوم نهاد صورت‌بندی کرد. چراکه طبق تعریف ارائه شده، نهاد شبکه‌ای از پویاها و جریان‌های پیچیده اجتماعی است که ناظر به هدف معینی هستند و بر محل و ساختمان‌ها و سایر وسایلی که برای این پویاها ضرورت دارند، نیز دلالت می‌کند (آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۸۸، ۳۱۵).

بنابراین پیوستگی ساختمان و شهر به معنای حضور نهادهای اجتماعی خواهد بود که حمایت‌کننده فعالیت‌های انسانی در لبه‌ها هستند. بدین معنا که امکان بروز فعالیت، می‌بایست توسط پایگاهی اجتماعی و مردمی حمایت شود. الدنبرگ^۱ این مفهوم را با نام «مکان سوم»^۲ معرفی می‌کند که شامل فضاهای عمومی گوناگونی است که پذیرای اجتماعاتی است که افراد به شکل داوطلبانه دور از خانه و کار شادمانه دور هم جمع شده و اکثراً معمولی و غیررسمی هستند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۲۶). در حقیقت مکان سوم، جایی است در شهر که احساس در خانه بودن دارد. جایی است به دور از قوانین اداری، دارای حس رهایی و حق انتخاب دارد (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱).

براین اساس نهاد دارای بُعدی بی‌کران و بُعدی کران‌مند است. از یک سو از آرزوهای اصلی انسان که بی‌کران هستند سرچشمه می‌گیرد و بین تمامی انسان‌ها مشترک‌اند؛^۱ نظیر آرزوی آموختن، زندگی کردن، ملاقات کردن و پرسش و بیان کردن (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۳) و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از قرارگاه یا مکان‌های رفتاری است که حدودی روشن، نظمی هنجاری، مسئولیت رده‌بندی شده و نظام برنامه‌ریزی عضویت دارد که اشاره به کران‌مند بودن آن دارد.

اما از آن‌جاکه نهادها دارای فرم و فعالیت مشخص، نظم، هدف و مسئولیت رده‌بندی شده برای اعضا هستند، پس از شکل‌گیری، قابلیت تثبیت شدن دارند. به گونه‌ای که ارتباط خود را با بُعد بی‌کران از دست می‌دهند. از این زمان به بعد، نهاد، در قالب نهاد رسمی به حیات خود ادامه می‌دهد که هدف اصلی آن حفظ موجودیت و حیات نهاد است. به عنوان مثال نهاد یادگیری، به مدرسه تغییر می‌یابد و نهاد همسایگی به مجتمع مسکونی که هر یک دارای برنامه فضایی و سلسله‌مراتب دستوری مشخصی هستند. تثبیت شدن نهاد، به معنای آن است که درون شبکه معنایی^{۱۱} قرار گرفته و از طریق نظارت و کنترل، فرم و فعالیت‌های مشخص و تعریف شده و قابل انتظاری را تولید خواهد کرد و حضور نهادهای رسمی در کنار هم از دید این پژوهش نتیجه‌ای جز گسستگی ساختمان و شهر در پی نخواهد داشت.

(Joyce & Guaralda, 2013) که در استرالیا انجام شد، رفتار افراد و گروه‌ها در فضاهای عمومی و عکس‌العمل‌هایشان به معماری‌هایی که شخصیت سه‌بعدی متمایزی دارند مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق پس از ثبت و کمی کردن رفتارها، گویای آن بود که تفاوت‌های معناداری در رفتار انسان پیرامون این گونه‌های متنوع معماری وجود دارد. به گونه‌ای که نمای ساختمان‌ها می‌تواند فرصت‌هایی را برای تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی فراهم کند.

مطالعه رابطه بین ویژگی‌های کالبدی لبه‌ها و الگوهای فعالیتی در پیاده‌رو در پژوهش‌های جداگانه دیگری نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند و تأثیر مستقیم ویژگی‌های فرمی لبه بر فعالیت‌ها را تایید می‌کنند (Hassan et al., 2019; Simpson et al., 2018; Heffernan et al., 2014).

آنچه که از مرور پیشینه پژوهش آشکار می‌شود این است که اکثر مطالعات انجام‌شده، عوامل کالبدی و تأثیرشان بر عوامل فعالیتی را مورد بررسی قرار داده‌اند و کمتر به عوامل اجتماعی به عنوان حمایت‌کننده فعالیت‌ها پرداخته‌اند. نکته دیگر این که همگی شان رویکردی اثبات‌گرا دارند که به دنبال تأیید و یا رد تأثیر این دو بوده‌اند. توجه به نهادها و نقش آن‌ها در پیوستگی ساختمان و شهر موضوعی است که در مبانی نظری تشریح می‌شود.

مبانی نظری • نهادها

عوامل اجتماعی پیوستگی ساختمان و شهر بازتاب روابط و کنش‌های اجتماعی و خصوصیت فرهنگی شهر است که در قالب پویاها و تعاملات اجتماعی نمایان است. بُعد اجتماعی فضا در نظر لوفور^۷، آن چیزی است که در بطن تجربه انسان‌ها در زندگی روزمره و فرهنگ حاکم بر آن‌ها شکل می‌گیرد و از این‌رو، در زمینه‌های مختلف، براساس تأثیری که از فضای فیزیکی می‌گیرد و تأثیری که بر آن می‌گذارد، بسیار متفاوت است (فاضلی، ۱۳۹۱، ۶۴). موضوعی که از نظر فاضلی (همان، ۱۷۷) از راه انباشت خاطره‌ها و حافظه جمعی شکل می‌گیرد و نه به کمک انباشت ساختمان‌ها، میدان‌ها یا خیابان‌ها. وی نبود اجتماعات محلی را سبب ضعف شهر برای شکل‌دادن به خاطره و در نتیجه عدم توانایی سخن‌گفتن شهرنشینان به یک گویش یا زبان شهری مناسب می‌داند. این موضوع بدین معناست که اجتماع محلی علاوه بر آن که حضور چندین نفر را به صورت همزمان در کنار یکدیگر امکان‌پذیر می‌کند، به روابط بین‌شخصی آن‌ها نظم بخشیده و خواست و نیازهای اجتماعی آن‌ها را پاسخ می‌دهد. هنگامی که فرد در کنار دیگران در یک مکان مشترک حضور دارد امکان کسب تجربه مشابه بین افراد از دنیای اطراف فراهم و اتصالی با نسل‌های گذشته که تجربه مشابهی با همان واقعیت فیزیکی

بنابراین پیوستگی درون‌ماندگار ساختمان و شهر به معنای حضور نهادهای اجتماعی جهت کنترل و مدیریت فضا و به همان اندازه عدم وجود نهادها، یا وجود نا-نهادها در فضای بین ساختمان‌هاست، جهت ایجاد حس رهایی. همانطور که نهادها بر فرم و چگونگی رویداد فعالیت‌ها ناظر هستند، نا-نهادها به آرزوهای اصلی و خواست وجودی افراد مرتبط هستند و هر فرم و فعالیت تولیدشده را نفی می‌کنند و به قلمروهای بی‌کران تمایل دارند. توجه نا-نهادها به فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌نشده، مرزهای شفاف و مبهم، ماهیت تکرارشونده و پویا، خلوت و جمع و دریک کلام تداوم احساس در خانه بودن است. بنابر مطالب فوق، چارچوب نظری پژوهش را مطابق تصویر ۱ می‌توان ترسیم کرد.

روش پژوهش

این پژوهش برای دستیابی به هدف در نظر گرفته‌شده، روش پژوهش کیفی را به کار می‌بندد، چراکه به مطالعه پدیده‌ها در شرایط طبیعی خود می‌پردازد. از آنجاکه روش پژوهش دارای سه سطح پارادایم، راهبرد و تدبیر است (گروت و وانگ، ۱۳۹۰)، پارادایم تحقیق پیشرو رهایی‌بخشی^{۲۰} است که معیارهای کیفیت در این پارادایم وقوع تاریخی، غفلت‌زدایی و دگرگونی‌خواهی جهت ایجاد تغییر و رشد در زمینه است.

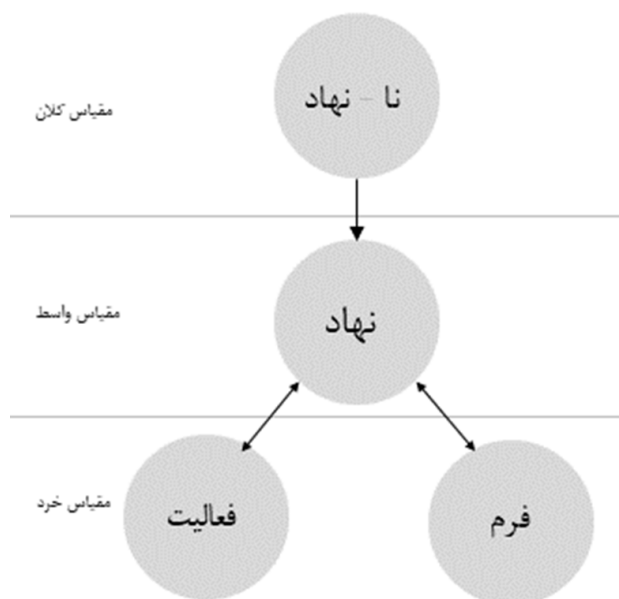
راهبرد، برنامه یا ساختار کلی تحقیق است که در این پژوهش از دو راهبرد مردم‌نگاری^{۲۱} و نظریه زمینه‌ای^{۲۲} استفاده می‌شود. در بخش اول و جهت شناسایی فعالیت‌های انسانی در لبه ساختمان‌ها، راهبرد مردم‌نگاری به کار می‌رود و سعی می‌شود با توصیف مشاهدات، شناخت و فهمی درونی از فعالیت‌های انسانی توأم با مکث در لبه‌ها ارائه شود. در گام بعدی و با راهبرد نظریه

• **درون‌ماندگاری؛ رویکردی جهت رهایی مفهوم نهاد**
وقتی از درون‌ماندگاری^{۱۲} صحبت می‌شود، منظور آن است که انسان به‌مثابه یک سوژه^{۱۳}، یک تجربه یا یک زیست با مجموعه‌ای از اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌هاست که نمی‌توان هیچ بخشی از این زیست را جدا کرد (قهرمان، ۱۳۹۹، ۲۰۵). زیست درون‌ماندگار به‌مثابه تجربه است که سوژه در آن با نسبتی که با خود و دیگران برقرار می‌کند، آزادانه حقیقت را می‌فهمد و بیان می‌کند و روابط استیلای بیرونی او را مجبور به انجام کاری نمی‌کند (همان، ۲۰۶). در این تعریف، درون‌ماندگاری، در تقابل مکمل با «متعالی»^{۱۴} تعیین و تعریف می‌شود، بدین ترتیب که اندیشه زمانی درون‌ماندگار است که متعالی نباشد. منظور از متعالی آن چیزی است که از دانش ممکن فراتر نرود. برای رسیدن به علمی درون‌ماندگار، ضرورتاً باید از هرگونه اصل بدیهی یا اصل موضوع پرهیز کرد و در نتیجه، نظامی را بر ساخت^{۱۵} که هیچ نقطه عزمیت انضمامی و ثابتی نداشته باشد (شاکری و میرزایی، ۱۳۹۴).

براین‌اساس نهاد در رویکردی متعالی است که دارای فرم و فعالیت مشخص و قابلیت تثبیت‌شدن باشد، چراکه هدف آن ایجاد قدرت پیرامون مفهوم تولیدشده با تکرار آن خواهد بود. فوکو^{۱۶} معتقد است قدرت ایجادشده در شبکه معنا به‌دلیل کارایی آن در حال فراگیر شدن است و برای یک سوژه امکان گریز از کنترل شبکه معنا وجود ندارد. این گریز از متعالی است که آگامبن^{۱۷} را تنها به نتیجه یک فلسفه درون‌ماندگار می‌رساند که می‌تواند با این تهدید مقابله کند (Frost, 2019)؛ یعنی بر ساخت یک فرم از زندگی که به‌صورت درون‌ماندگار زیست می‌کند، برای ایجاد خود به شبکه‌های معنا و نه هیچ فرمی از متعالی متکی نیست (ibid.).

چنین فرمی از زندگی را آگامبن با «زدودن»^{۱۸} قابل دستیابی می‌داند. عمل زدودن به‌عنوان امکان استفاده‌های جدید از عناصر به‌دام‌افتاده در تسخیر شبکه معناست، همچون حرکتی که می‌تواند چیزی را که به‌دلیل تقدس بیش‌از حد معناگونه، غیرقابل دسترس شده، به استفاده آزاد نوع بشر بازگرداند (Boano, 2017, 120). امکان زدودن به‌معنای نجات استفاده‌ای است که «نه طبیعی است و نه سودمند». استفاده‌ای که در طول زمان گم شده است. نتیجه این امر غیرفعال کردن^{۱۹} ابزارهای قدرت، به‌نفع آینده‌ایست که موجود است اما هنوز تحقق نیافته است (ibid., 121).

در این پژوهش، پیوستگی درون‌ماندگار ساختمان و شهر به‌معنای غیرفعال کردن و زدودن «نهاد» از هر آنچه که منطق شبکه معنا بر آن تحمیل کرده، است؛ از رابطه نهاد با چیزی که نیست، یعنی «غیراز نهاد» یا «نا-نهاد» تولید می‌شود. یعنی پیوستگی درون‌ماندگار شامل غیرفعال کردن تمامی نهادهای رسمی برای دستیابی مجدد به عرصه بی‌کرانی و پیش از شکل‌گیری و تعریف نهادهای اجتماعی است، زمانی که تنها آرزوهای اصلی انسان‌ها وجود دارد.



تصویر ۱. چارچوب نظری: پیوستگی درون‌ماندگار ساختمان و شهر. مأخذ: نگارندگان.

نه بخش به نام‌های الف، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ معرفی شده‌اند (تصویر ۲). در برخی از بخش‌ها که دارای طول بیشتری یا در تقاطع دو خیابان بودند و امکان مشاهده تمام آن بخش لبه از یک زاویه دید مشخص وجود نداشت، به مقاطع کوچکتری تقسیم شدند.

یافته‌ها

جهت توصیف و شناخت فعالیت‌های انسانی، مشاهدات در حال پیاده‌روی در شش مرتبه در ساعات مختلف روز در ایام هفته و آخر هفته انجام شده، به گونه‌ای که بازگوکننده جریان زندگی و فعالیت‌های محدودۀ مورد مطالعه باشد. برای این منظور دو رویۀ نگارش داستان فضا و نقشه‌برداری رفتاری به کار رفته است. از آنجا که سعی شده در نگارش یادداشت‌ها، علاوه بر توصیف مشاهدات، نوعی نگاه داستان‌سرایی جهت برقراری ارتباطی انسانی و احساسی با پدیده‌ها و مکان‌ها به عمل آید و با حرکت مؤلف در فضا و در قالب زمان روایت شوند، لذا عنوان «داستان فضا» برای این رویه انتخاب شده که گزیده‌ای از داستان‌های فضایی هر یک از شش بازدید در جدول ۱ ارائه شده است.

پس از نگارش داستان فضا برای هر یک از بازدیدها، متن‌های تهیه‌شده چندین مرتبه مطالعه و بررسی شدند. سپس، داستان‌ها تا سطح رسیدن به فعالیت‌های توأم با مکث برای هر بازدید ساده‌سازی شدند. در ادامه فعالیت‌های توأم با مکث، بر روی نقشه پایه‌ای که برای این منظور تهیه شده بود، پیاده‌سازی شد. این نقشه‌های رفتاری تصویر لحظه‌ای از مکان را نمایش می‌دهند. تصویر ۳ نقشه‌برداری رفتاری بازدید شماره شش را نمایش می‌دهد. در این نقشه محل شروع حرکت مؤلف و مسیر پیموده‌شده با رنگ نارنجی مشخص شده‌اند.

در گام بعد، با مرور نقشه‌های رفتاری، فعالیت‌های تکراری در بازدیدها حذف شدند و فهرست فعالیت‌های توأم با مکث در محدوده مورد مطالعه به شرح تصویر ۴ تهیه شد.

یکی از مهم‌ترین مراحل در پژوهش کیفی، یافتن طبقه‌بندی‌ای

زمینه‌ای، ویژگی‌های فرمی موجود در لبه‌های محدوده مورد مطالعه شناسایی، تحلیل و ارزیابی می‌شوند. در نظریۀ زمینه‌ای پژوهشگر در پی آن است که فارغ از ارائه باورها و تصورها، اجازه دهد که شرایط طبیعی محیط، داده‌ها را تعیین کند و سپس نظریه‌ای از میان داده‌ها به تکوین برسد (همان، ۱۸۰).

تدابیر سطح جزئی‌تری از روش را شامل شده که در تعریف به آن اقدام ماهرانه اطلاق می‌شود. در این تحقیق، پژوهشگر تلاش می‌کند در فرایندی چرخه‌ای و تعاملی از گردآوری، تلخیص، نمایش داده‌ها و ارزیابی حرکت کند، چراکه اگر این اعمال با آگاهی بی‌واسطه^{۲۳} انجام شوند، ایده‌ها و عکس‌العمل‌ها نسبت به معنای مشاهدات پی‌درپی بروز خواهند کرد. بنابراین مشاهده، اصلی‌ترین تدبیر جمع‌آوری اطلاعات است که از طریق قدم‌زدن هدفمند مؤلف، در محدوده مورد مطالعه انجام یافته است. روش کار، براساس مدت زمان طی‌شده برای قدم‌زدن با سرعت متوسط و عبور از مقابل تمامی مقاطع مورد مطالعه تعیین شده که این مدت به‌طور متوسط یک ساعت در نظر گرفته شده است. تکنیک به کار رفته در جمع‌آوری داده‌ها، شرح جریان رفتارها و ضبط صدا در جریان قدم‌زدن بوده است. در گام بعد و پس از بازدید، صدای ضبط‌شده، نگارش یافته و به متن تبدیل شده و در مرحله بعد بر روی نقشه‌هایی با تعریف علائم مشخصی که معرف فعالیت‌ها باشد، پیاده‌سازی شده است.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه لبه‌های بلوار فرحزادی در شهرک غرب تهران، حدفاصل میدان صنعت تا بلوار ایوانک به طول تقریبی ۵۰۰ متر در تقاطع با دو خیابان حسن سیف و سیمای ایران است. ساختمان‌های شاخصی که در این محدوده قرار گرفته شامل مرکز تجاری‌های میلاد نور، لیدوما، ستین، پلاتین، مسجد جامع شهرک غرب و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز - ساختمان پیامبر اعظم- است. تمامی ساختمان‌های مذکور، در ۳۰ سال اخیر ساخته شده‌اند. خانه‌های مسکونی ویلایی و شهرک مسکونی پردیسان در مجاورت این محدوده قرار گرفته‌اند که بالغ بر ۵۰ سال قدمت دارند. همچنین نزدیکی به ایستگاه‌های مترو، تاکسی و اتوبوس از جمله دیگر ویژگی‌های این محدوده است.

• واحدهای تحقیق

به‌منظور مطالعه و بررسی فعالیت‌های انسانی در لبه ساختمان‌های معرفی‌شده، محقق چندین مرحله رانندگی و پیاده‌روی در محدوده مورد مطالعه انجام داده است. در نهایت تصمیم بر آن شد که محدوده به نه بخش تقسیم شود که دامنه آن از سمت شرق کمی بعد از مرکز تجاری پلاتین، از سمت غرب بلوار ایوانک، از سمت شمال ابتدای خیابان حسن سیف و کمی بالاتر از مسجد جامع و از سمت جنوب محدوده ورودی دانشگاه در خیابان سیمای ایران در نظر گرفته شد. این

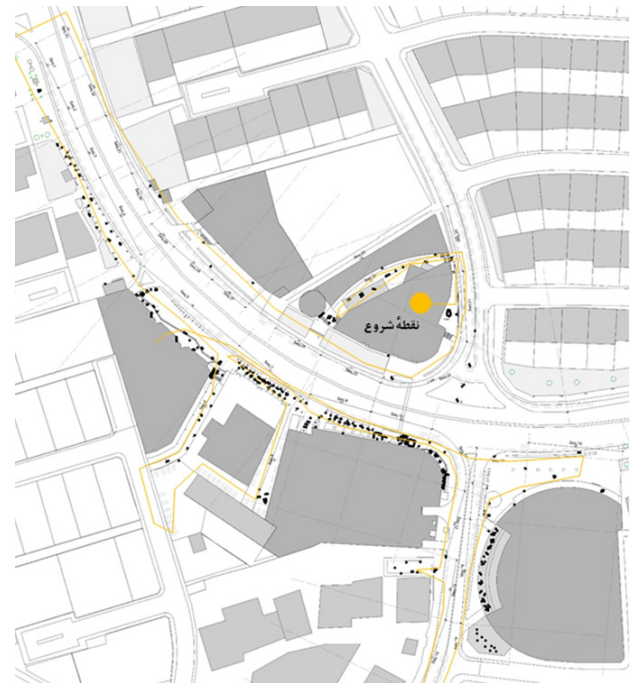


تصویر ۲. محدوده مورد مطالعه و واحدهای تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

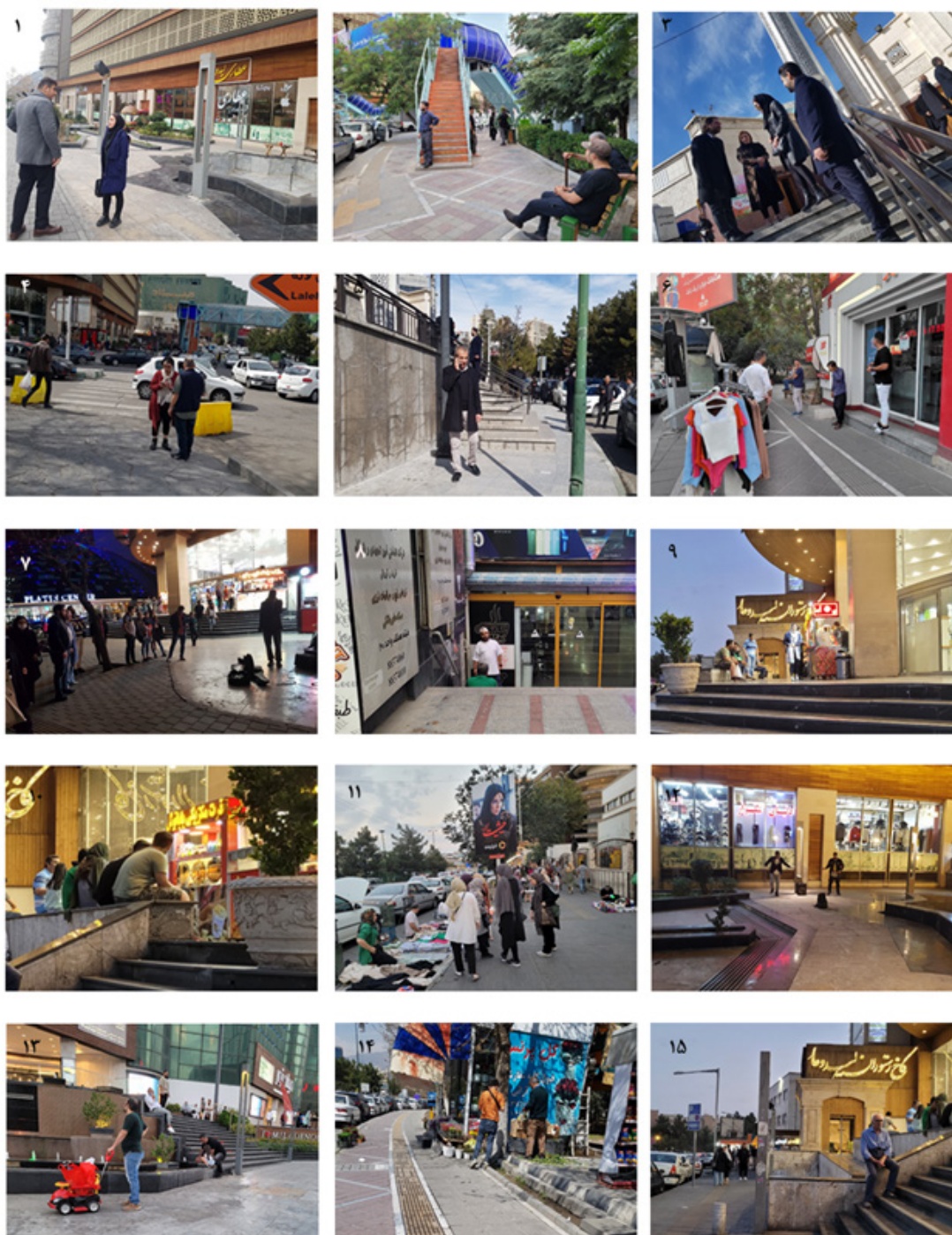
جدول ۱. گزیده‌ای از روایت داستان فضا. مأخذ نگارندگان.

شماره بازدید	گزیده داستان فضا
بازدید اول - جمعه ۱۴۰۱/۱۰/۲۳ ۱۹:۴۰ - ۱۸:۴۰ غروب آخر هفته	... در این فضای زنده، از میان دستفروش‌ها به سمت لیدوما قدم می‌زنم. در لبه لیدوما، دو نفر با بخش موسیقی در حال رقص و اجرای هنر پرفورمنس آرت هستند. این صدای موسیقی و جوانانی که در حال تماشا هستند، گرمای خاصی به این شب زمستانی بخشیده است. اجرایی که هم صدای موسیقیش و هم توقف و تماشای سایرین سبب زنده شدن این قسمت شده است. به نوعی سبب تعامل افرادی که هریک به یک موضوع واحد خیره شده‌اند...
بازدید دوم - دوشنبه ۱۴۰۱/۱۱/۰۳ ۱۷-۱۶ عصر وسط هفته	... از پل عابر مقابل لیدوما گذر می‌کنم و به سمت شمال بلوار فرحزادی می‌روم. در سالن مسجد مراسم ختم برگزار شده است و زیر پل عابر، دو نفر منتظر هستند. ۱۵ نفر حلقه زده‌اند و با هم صحبت می‌کنند. یک کفاش هم مقابل پل عابر بساط کرده است. از جلوی کتابخانه گذر کردم و فعالیتی ندیدم. به سمت ستین می‌روم. یک نفر دم کوچه پارکینگ ایستاده و سیگار می‌کشد. نمایشگاه ماشین طبقه همکف پاساژ ستین باز است ولی بازهم فعالیتی مقابلش دیده نمی‌شود...
بازدید سوم - پنجشنبه ۱۴۰۱/۱۱/۱۳ ۱۹:۳۰ - ۱۸:۳۰ غروب آخر هفته	... می‌روم داخل کوچه پایین میلاد نور. یک کوچه که هم محل گذر هست و هم مکث. در انتها یک رستوران و میز و صندلی‌های آن هست که دو نفر در حال خوردن هستند. وارد محله مسکونی می‌شوم. این کوچه جنوبی میلاد نور، به نوعی حیات خلوت مجموعه تجاری است ولی دید به جریان زندگی شهر ندارد. باین حال پاتوق خوبی می‌تواند باشد. از پله‌های انتهای کوچه بالا می‌روم به مرز میلاد نور و اداره برق می‌روم که بساط دستفروشان در اینجا به پایان رسیده است ...
بازدید چهارم - شنبه ۱۴۰۱/۱۱/۱۵ ۱۲-۱۱ صبح یک روز تعطیل	... از خیابان حسن سیف به سمت پایین پیاده‌روی را شروع می‌کنم. هوا آفتابی است و آسمان آبی. صدای پرنده‌ها شنیده می‌شود. یک روز دل‌انگیز تعطیل. ولادت حضرت علی (ع) و روز پدر هست امروز. خیابان حسن سیف به سمت جنوب منظره‌ی زیبا از برج میلاد و پلاتین دارد. به مسجد جامع می‌روم. به نظر می‌رسد که مسجد مراسم ختم است، افراد دسته‌دسته مشکی‌پوش به سمت مسجد می‌روند. دم ورودی زنانه مسجد دو خانم منتظرند. سه نفر در حال صحبت هستند، سه نفر در مقابل ورودی زنانه در حال صحبت هستند...
بازدید پنجم - یکشنبه ۱۴۰۱/۱۲/۲۱ ۱۳-۱۲ ظهر روز کاری	... در پیاده‌راه مسیر خود را به سمت دانشگاه ادامه می‌دهم. بر خلاف بازدیدهای قبلی، در پارکینگ دانشگاه باز هست. متوجه می‌شوم که به مناسبت شب عید، داخل محدوده پارکینگ دانشگاه، غرفه کوچکی احداث شده و مقدار مختصری از کالاها و اجناس شب عید، در قالب نمایشگاهی موقت به فروش می‌رسد. همین مقدار کم امکان نفوذ به درون نمای بسته هم، تنوع خوبی در این محدوده ایجاد کرده است. به این فکر می‌کنم چرا در بقیه ایام سال این اتفاق نمی‌افتد؟ چرا دانشگاه به روی شهر بسته است...؟
بازدید ششم - یکشنبه ۱۴۰۱/۱۲/۲۸ ۲۰:۳۰ - ۱۹:۳۰ عصر آخر سال	... بر روی پله‌های ورودی میلاد نور در فضای باز می‌نشینم. این پله‌ها دید و منظر خوبی به پیاده‌راه، عبور و مرور ماشین‌ها در خیابان و آن سوی خیابان یعنی پاساژ ستین دارد. با خود فکر می‌کنم که مردم از هر فرصتی برای بودن در فضا و شهر استفاده می‌کنند. مردم دنبال جایی برای تفریح کردن در شهر و لذت‌بردن از خرید هستند. جایی برای وقت گذراندن در یک عصر پایان روز، یک عصر پایان هفته یا سال، در جایی شلوغ و خلوت و پرهیاهو و آرام، جایی که شبیه جای دیگری نباشد، جایی که در کنار هم باشند و کسی مزاحم دیگری نباشد، جایی شبیه اینجا، با تمام کم و کاستی‌هایش...

است که تنوع داده‌های ثبت‌شده را دربر بگیرد که در این پژوهش به معنای دسته‌بندی گونه‌های فعالیت‌های انسانی توأم با مکث است. دو پژوهشگری که در جریان مطالعه میدانی خود به دسته‌بندی فعالیت‌ها اقدام کرده‌اند، یان گل و ویکاس مهتا^{۳۴} هستند. یان گل و سوار (۱۷، ۱۳۹۵) در دسته‌بندی پیشنهادی خود، فعالیت‌ها در فضای همگانی را به سه دسته اختیاری، الزامی و اجتماعی تقسیم می‌کنند. ویکاس مهتا (۱۳۹۸، ۱۷۱)، با تمرکز بر گونه اجتماعی فعالیت‌ها، دسته‌بندی سه‌گانه خود را شامل فعالیت‌های منفعل، فعالیت‌های اجتماعی گذرا و فعالیت‌های اجتماعی پایدار معرفی می‌کند. پارامترهایی که این دو براساس آن فعالیت‌ها را دسته‌بندی می‌کنند، شامل نیت و قصد فرد، فردی و جمعی بودن یک فعالیت، مدت زمان طول یک فعالیت، ویژگی فیزیکی محل و قوانین و رسوم محل و میزان صمیمیت افراد است. با مرور چندباره مشاهدات و فهرست فعالیت‌های توأم با مکث مشاهده‌شده، به نظر می‌رسد آنچه در خصوص شرایط فیزیکی و محیطی مناسب محل، به‌عنوان لازمه فعالیت‌های پایدار مطرح



تصویر ۳. نقشه‌برداری رفتاری بازدید ششم. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. فهرست فعالیت‌های توأم با مکت. (۱) صحبت کردن ایستاده؛ (۲) صحبت کردن نشسته؛ (۳) خداحافظی بعد از مراسم مذهبی؛ (۴) کار با تلفن همراه؛ (۵) صحبت کردن با تلفن همراه؛ (۶) منتظر بودن و پرسه زدن؛ (۷) تماشا کردن (توجه کردن اختیاری به رویدادی)؛ (۸) سیگار کشیدن؛ (۹) خرید کردن؛ (۱۰) غذا و خوراکی خوردن؛ (۱۱) تماشا و خرید عبوری از دستفروشان؛ (۱۲) اجرای هنری (رقصیدن، نواختن موسیقی و خواندن)؛ (۱۳) بازی کردن؛ (۱۴) کار کردن؛ (۱۵) استراحت کردن. مأخذ: نگارندگان.

و خواست وجودی فعالیت از تحقق یافتن است. این جوهر در مقیاس کلان یا بی‌کرائگی این است که هدف از انجام فعالیت چه میزان در راستای آرزوهای اصیل انسانی است و در مقیاس خرد یا مادی صرف، چه میزان در راستای برآوردن نیاز لحظه‌ای فرد است. به‌عنوان مثال وجود نیمکت، می‌تواند نیاز نشستن و استراحت کردن کوتاه مدت را برآورده سازد، اما زمانی که

می‌شود، به موضوع و اصل حمایت‌شوندگی اشاره دارد. غالباً افراد نسبت به محلی که نسبت به آن آشنایی و سابقه‌ای با افراد و فضاهای آن داشته باشند، این احساس را دارند. بنابراین سابقه‌داشتن در سطح عمیق، سبب راحتی و آسودگی و الفت و در آن سوی طیف، سبب ناشناختگی و غریبگی می‌شود. موضوع دیگر، انگیزه انجام فعالیت‌هاست. منظور از انگیزه، جوهر

فعالیت‌های ماندگار، اصولاً در قالب ارتباط عمیق با محیط شکل می‌گیرند و طولانی‌تر هستند و تعامل بین افراد از طریق صحبت کردن یا تماشا کردن به یک صحنه ثابت و یا حتی بودن در جمع با دیگران شکل می‌گیرد. انگیزه اصلی از روی دادن این فعالیت‌ها را می‌توان، تحقق آرزو و خواست وجودی افراد نامید. جوهر فعالیت‌های ماندگار، راحتی و سرزندگی فضا است.

هم‌زمان با مطالعه شاخصه‌های فعالیت‌های نهادها، جهت شناسایی شاخصه‌های فرمی از هر یک از ۳۳ مقطع از محدوده مورد مطالعه، برشی عرضی، تهیه شد و ضمن بررسی رابطه درون و بیرون ساختمان و نسبت آن با خیابان و پیاده‌راه و معرفی جزئیات و ویژگی‌های فضایی لبه، شرح مختصری از جریان زندگی مشاهده شده در آن مقطع، بیان شد. همچنین جهت تحلیل هم‌زمان ویژگی‌های فرم و فعالیت، فعالیت‌های مشاهده شده در لبه با خط قرمزی بر روی برش‌ها ترسیم شد. در این ترسیم گره‌ها به معنای تلاقی فرم و فعالیت و نقاط مکث مشاهده شده است و بزرگی و کوچکی آن بیانگر شدت و میزان فعالیت مشاهده شده است که در **جدول ۳** خلاصه‌ای از تحلیل‌های انجام شده ارائه شده است.

بر اساس تحلیل‌های انجام شده مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرم در لبه ساختمان‌ها در قالب سه سطح و سه مقیاس خرد، واسط و کلان دسته‌بندی می‌شوند. منظور از مقیاس خرد، جزئیات و عناصر فضا در لبه ساختمان است، مقیاس واسط، ویژگی‌های فضایی لبه هستند؛ نظیر نفوذپذیری، شفافیت و محصوریت و مقیاس کلان به جایگاه ساختمان در شهر و

نشستن با صحبت کردن دونفره یا بیشتر همراه می‌شود، بعد انگیزشی قوی‌تری می‌یابد.

پارامتر بعدی دسته‌بندی و تعریف فعالیت‌ها زمان است. زمان هم به معنی مدت زمان طول یک فعالیت، هم به معنای زمان یا بازه‌های رویداد یا میزان تکرارپذیری آن است. در نگاه اول، مدت زمان فعالیت‌ها می‌تواند بلند، متوسط و کوتاه باشد و در معنای دوم، میزان تکرارپذیری یک فعالیت مشخص در یک مکان، مورد نظر است. یعنی چه میزان ماهیت فعالیت مورد نظر، تصادفی روی داده و وابستگی‌ای به محل نداشته است. بنابراین، سه ویژگی سابقه، انگیزش و زمان در ترکیب با یکدیگر با شدت‌های مختلف، سه طیف فعالیت‌های توأم با مکث را بدین شرح تشکیل می‌دهند: فعالیت‌های گذرا، پذیرنده و ماندگار (**جدول ۲**).

فعالیت‌های گذرا، فعالیت‌هایی کوتاه‌مدت و تصادفی هستند، که بیان‌کننده ارتباط کم فرد با فضا هستند و انگیزه روی‌دادنشان، برطرف شدن موضوعی لحظه‌ای است، مثلاً صحبت با تلفن همراه، گرفتن پول از عابرانک از جمله این فعالیت‌ها هستند. فعالیت‌های پذیرنده، فعالیت‌هایی هستند که محیط پذیرای آن‌هاست و قابل تکرار هستند، لزوماً در ارتباط مستقیم با درون بنا نیستند، اما دلیلی برای روی‌دادنشان در یک نقطه وجود دارد، یعنی توسط مردم یا گروهی از مردم پذیرفته شده هستند و ممکن است تا اندازه‌ای تعامل هم بین افراد ایجاد شود، ولی پایه ارتباطی عمیقی با محیط ندارند و ممکن است بنا بر دلیلی در روز بعد یا زمانی دیگر، در همان مکان روی ندهند.

جدول ۲. دسته‌بندی فعالیت‌های توأم با مکث در لبه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

مقیاس	شاخصه‌های فعالیت‌های نهادها			نوع فعالیت	مصادیق فعالیت
	زمان	سابقه	انگیزش		
خرد	کوتاه-تصادفی	کم	نیاز	گذرا	- کار با تلفن همراه - صحبت کردن با تلفن همراه - پول گرفتن از عابر بانک - کار با ماشین - بودن در فضا با حیوان خانگی
واسط	قابل تکرار	متوسط	تمایل	پذیرنده	- صحبت کردن ایستاده - خداحافظی بعد از مراسم مذهبی - منتظر بودن و پرسه زدن - سیگار کشیدن - خرید کردن - استراحت کردن
کلان	بی‌زمان- در همه زمان‌ها	عمیق	خواست وجودی	ماندگار	- صحبت کردن نشسته - غذا و خوراکی خوردن - اجرای هنری (رقصیدن، نواختن موسیقی و خواندن) - چای نوشیدن - بازی کردن - کار کردن

- نفوذپذیری: به معنای قابلیت و گستردگی سطوح ورودی به درون بناست. بیان کننده سهولت ورود به درون ساختمان است.
- محصوریت: پوشیده شدن عرصه لبه ساختمان است. فضایی که پوشیده باشد هم پناهی در مقابل باد و باران ایجاد می کند و هم میدان دید به لبه را کاهش می دهد. به نوعی افراد می توانند در فضای محصور پناه بگیرند.

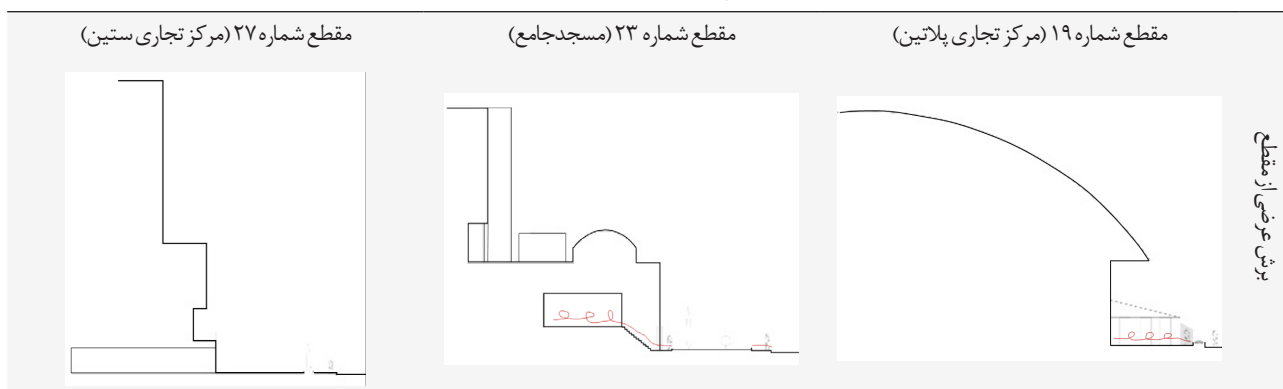
رابطه آن با اطراف و نحوه دیده شدن آن مرتبط است که به شکل زیر قابل تعریف هستند:
- جزئیات: عناصر معمارانه و شهری که در لبه قرار گرفته اند. مانند نیمکت، سکو، درخت، نمای ساختمان.
- شفافیت: گستره دید از داخل به بیرون و برعکس است. نوعی حس و ادراک و آگاهی از جریان داخلی بناست.

جدول ۳. گزیده‌ای از تحلیل ویژگی‌های فرم در محدوده مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

مقاطع محدوده مورد مطالعه

مقطع شماره ۵ (مرکز تجاری میلاد نور)	مقطع شماره ۱۱ (مرکز تجاری لیدوما)	مقطع شماره ۱۷ (مرکز تجاری پلاتین)
		
<p>در این مقطع زون پیاده‌راه محل عبور عابران شهری است، پلکان ورودی با فرم کشیده‌ای که دارد علاوه بر دسترسی به ورودی بنا، محل استراحت و نشستن، جهت صحبت کردن و غذاخوردن و گاهی تماشای نیز استفاده می شود و سکو که بیشترین مکث ها در آن رخ می دهد، فضای محصور ورودی است، جهت نشستن و استراحت کردن، ایستادن و منتظر بودن، ...</p>	<p>پلکان و سکوی ورودی مرکز خرید، محل رفت و آمد به درون مجموعه است، دکه‌های اغذیه‌فروشی روی سکو، محل خرید و خوردن گروهی و فردی است. درگاه ورودی همچون مرکز دایره‌ای است که هرچه از آن دور تر می شویم، شلوغی و تراکم جمعیت به آهستگی کم می شود.</p>	<p>ورودی ساختمان در این مقطع قرار گرفته، تلاش بسیاری هم برای محصور کردن فضا با ایجاد رواق ورودی انجام شده است، عده‌ای هم در زیر رواق ورودی تجمع می کنند، اکثراً کسبه‌ای هستند که برای استراحت و سیگار کشیدن ایستاده به این نقطه می آیند، باین حال حس فضایی در این مقطع زنده و جذاب نیست، می توان صدای جریان زندگی و همه‌مه را از آن سوی خیابان، یعنی از لیدوما شنید و دید.</p>
		
<p>اگر حیاط اداره برق، به روی عموم باز بود، اتفاق ویژه ای محسوب می شد. ولی چون این اتفاق رخ نداده است، جریان زندگی لبه، به دو بخش ساعات اداری و غیراداری تقسیم می شود. در زمان اداری تنها محل گذر است بدون کوچکترین مکثی و پس از ساعت اداری به‌ویژه در ایام آخر هفته و متمایل به غروب، محل بساط دستفروشان است. مجاورت این دستفروشان در امتداد دو پاساژ میلاد نور و لیدوما، نوعی بازار بزرگ‌تری را با تنوع بیشتری از محصولات و مخاطبان ایجاد می کند. همه‌مه دستفروشان و خریداران عبوری، فضای شهری زنده‌ای را به وجود می آورد.</p>	<p>دکه اغذیه‌فروشی، اتفاق عمده فضایی در این محدوده است که افراد در مقابل آن در حال خرید و خوردن نشسته و یا ایستاده به صورت پراکنده مشاهده می شوند. همچنین دستفروشان مقابل اداره برق در امتداد لبه این ساختمان نیز دیده می شوند، به‌ویژه در ایام آخر هفته و ساعات غروب.</p>	<p>در ساعات روز، این لبه در این مقطع یک پیاده‌راه پهن است، اما در ساعات عصر به‌ویژه در ایام آخر هفته به دلیل نورپردازی شبانه، محصوریت ایجاد شده توسط پل، بساط دستفروشان و شلوغی عصرگاهی، جریان زنده شهری، محیط جذابی را ایجاد می کند، به‌ویژه در این مقطع اجراهای زنده رقص و موسیقی توسط جوانان، سبب مکث بسیاری از رهگذران می شود که پویایی ویژه‌ای را به سایت می بخشد.</p>

مقاطع محدوده مورد مطالعه



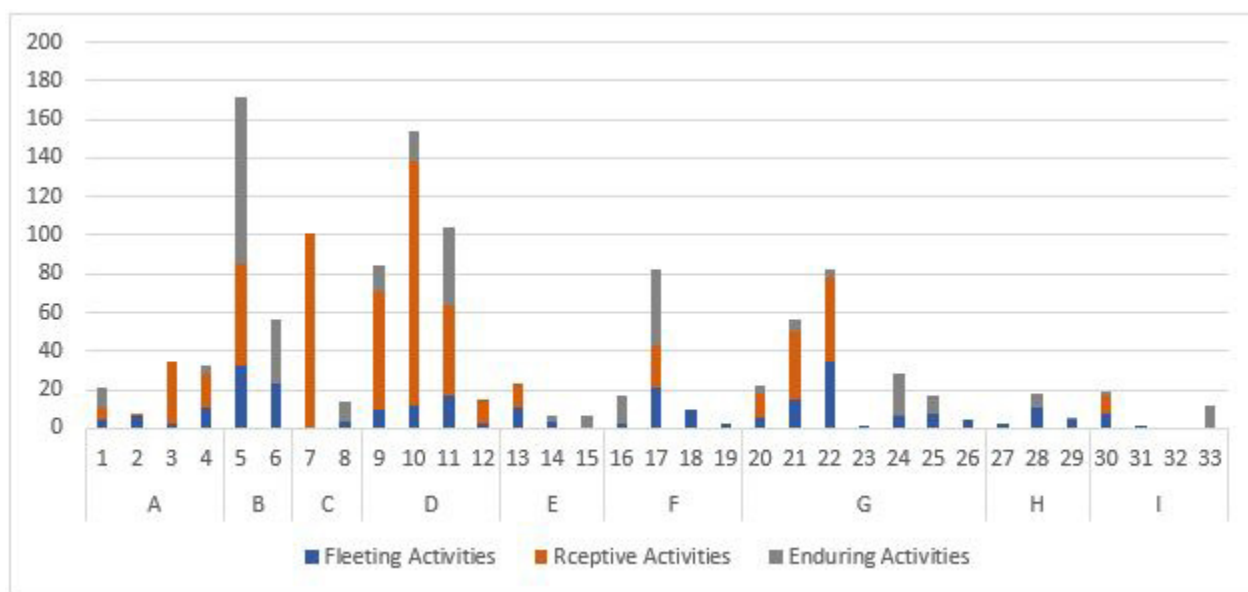
به دلیل کاربری طبقه همکف این لبه، که نمایشگاه ماشین است، تقریباً فعالیت توام با مکتی در این مقطع مشاهده نشد. البته سابقه فضا هم بی تأثیر نیست. چراکه ساختمان، مجموعه‌ای تازمساز است غالباً برای افراد شناخته شده نیست.

با این که اصلی ترین اتفاق در این مقطع، قرارگیری کتابخانه است، اما کوچکترین اثری از آن در فعالیت‌های لبه دیده نمی شود. دقیق تر بگویم، فعالیت توام با مکتی در لبه رخ نمی دهد.

این مقطع ورودی رستوران در طبقه همکف است. رستوران به خوبی از بیرون دیده می شود، اما نکته اینجا است که این رستوران همچون یک جزیره‌ای به بنا چسبیده و به صورت مستقل رفتار می کند و هیچ ارتباطی با بنا ندارد، بنابراین لبه‌ای را برای ورود به ساختمان تعریف نمی کند، بلکه خود بحران لبه را تشدید می کند. چراکه مرزی از خصوصی را در قابل عمومی خیابان تعریف می کند.

برش عرضی از مقطع

شش داستان فضا در مقطع



تصویر ۵. فراوانی تجمعی فعالیت‌های توام با مکت در لبه‌های محدوده مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

و انگیزش به عنوان شاخصه‌های فعالیت‌ی و جزئیات، نفوذپذیری، شفافیت، محصوریت، رابطه و پرسپکتیو به عنوان شاخصه‌های فرمی.

بحث

فراوانی تجمعی مجموع فعالیت‌های توام با مکت مشاهده شده در هر شش بازدید، در هر یک از ۳۳ مقطع مطابق با تصویر ۵ قابل ترسیم است. این نمودار بدین معناست که در مجموع

رابطه: منظور از رابطه، الگوی رابطه ساختمان با شهر است. هم الگوی رابطه ورود به ساختمان از شهر و هم رابطه با بناها و خیابان‌های مجاور.

پرسپکتیو: هم به معنای عمق و تنوع دید به بنا و مناظر اطراف است و هم میزانی که ساختمان با حرکت مخاطب در فضا حرکت می کند و چهره جدیدی را از خود به نمایش می گذارد. بنابراین براساس مطالب پیش گفته برای نهاد سه شاخصه فعالیت‌ی و شش شاخصه فرمی قابل تعریف هستند؛ سابقه، زمان

نکته قابل تأمل و قابل بحث ویژگی‌های فرم در مقابل مقاطع ۱۹، ۲۷ و ۲۳ است که کمترین فعالیت‌ها در مقابل آن‌ها گزارش شده است. مقطع ۱۹، مقطع چهارم مرکز تجاری پلاتین است که ورودی رستوران بهزاد در آن واقع شده است. جزئیاتی نظیر کلوناد چوبی در آن قرار دارد، بدنه رستوران شفاف است که با کلوناد محصور شده، اما عمق پیاده‌راه مقابل آن و عمق دید آن لبه کوتاه است. همچنین الگوی رابطه با شهر «ویترین-پیاده‌راه» است و در مجاورت ورودی مرکز تجاری و یا تردد سایر افراد قرار نگرفته است.

مقطع ۲۳ ورودی کتابخانه است که درون توده مسجد جامع قرار گرفته است. این مقطع نفوذپذیری دارد اما شفاف نیست و اطلاع و آگاهی‌ای از بیرون نسبت به کتابخانه و جریان کتابخانه وجود ندارد. این لبه محصوریت ایجاد نمی‌کند، اما پیاده‌راه پهنی در مقابل آن است. الگوی رابطه این فضا با شهر «دیوار-پیاده‌راه» است که به نوعی سبب جزیره‌بودن این فضا شده است، به گونه‌ای که در مسیر تردد و اطلاع افراد قرار ندارد.

مقطع ۲۷ نیز لبه مرکز تجاری استین است که هم نفوذپذیری و هم شفافیت زیادی به کاربری طبقه همکف آن وجود دارد و پیاده‌راه پهنی در مقابل آن است، اما این ویژگی‌ها از سمت کاربری این طبقه که نمایشگاه خودرو است حمایت نمی‌شود و در تمام مشاهدات انجام‌شده فعالیتی در مقابل این لبه گزارش نشد.

با توجه به مطالب بیان‌شده، به نظر می‌رسد فعالیت‌های توأم با مکت در لبه‌ها در فضاها و نقاطی روی داده است که نوعی تلاقی بین فرم و فعالیت روی داده است، تلاقی سابقه، زمان و انگیزش با فرم و ویژگی‌های آن. این تلاقی و هم‌زمانی، در این پژوهش نهاد نامیده می‌شود. در واقع سابقه، زمان و انگیزه همان افراد هستند که در فضا حرکت می‌کنند، در نقاطی توقف می‌کنند و چیزی را یا داستانی را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. هر توفقی در فضا به‌دلیلی انجام شده است و در لحظه نهادی را ایجاد می‌کند. در این معنا فعالیت‌های ماندگار در جایی شکل می‌گیرد که نهاد در ارتباط جدی‌تری با درون ساختمان بنا در جهت تقویت و یا ادامه فعالیت‌های درون ساختمان شکل گیرد. در فعالیت‌های پذیرنده، ارتباط با درون کمرنگ‌تر است، اما تا اندازه‌ای از سمت درون بنا حمایت می‌شود و شاید مخالفت جدی با بروز آن روی نمی‌دهد. فعالیت‌های پذیرنده که غالباً برنامه‌ریزی نشده‌اند، گرمای خاصی به فضا می‌بخشند، تنوع و تراکم‌پذیری متنوع‌تری دارند و در لحظه‌ای دیگر ممکن است به‌دلیل مخالفت با هسته درون بنا به صفر گرایش یابند. فعالیت‌های گذرا عموماً ارتباط جدی با درون بنا ندارند، اما به‌عنوان شروعی در شکل‌گیری فعالیت‌های پذیرنده و ماندگار حائز اهمیت هستند.

بنابراین نهاد، تلاقی فرم و فعالیت است که بروز می‌یابد. نهاد، پیش از تحقق نا-نهاد بوده، همچون متافورها^{۲۵} و خیالات ما،

بازدیدهای انجام‌شده، بیشترین فعالیت‌های توأم با مکت ماندگار در مقطع ۵؛ یعنی ورودی میلاد نور روی داده است. لبه‌های مرکز تجاری لیدوما با وجود اینکه در مجموع از بیشترین فعالیت‌های توأم با مکت حمایت کرده‌اند؛ یعنی در حدود ۲۹ درصد از مجموع فعالیت‌ها، اما غالب فعالیت‌های مشاهده‌شده از نوع پذیرنده هستند.

همچنین در لبه اداره برق (بخش پ) هم، غالب فعالیت‌های مشاهده‌شده از نوع پذیرنده هستند، که پس از اتمام ساعات کاری و در آخر هفته‌ها افزایش می‌یابد. در واقع فعالیت‌های پذیرنده، مقیاس میان طیف هستند، تصادفی نیستند، گویای سابقه و آشنایی نسبی فرد با فضا هستند، اما رابطه کمی بین آن‌ها و درون ساختمان وجود دارد.

نکته مهم دیگر آن که در بخش چ یعنی لبه‌های مسجد جامع که مجموعاً ۱۷ درصد از کل فعالیت‌های توأم با مکت، مشاهده شده بود و در رتبه سوم بیشترین فراوانی قرار دارد، فعالیت از نوع ماندگار بسیار پایینی مشاهده شده است. این به معنای آن است که مسجد بیشترین تمرکز را بر ارائه خدمات به شهر در راستای اهداف ازپیش‌تعیین‌شده خود دارد و شاید تا اندازه‌ای برخی اتفاقات را هم از خود دور می‌کند.

با تحلیل ویژگی‌های فرمی در مقاطع ۵، ۱۱ و ۱۷ که با بیشترین فعالیت توأم با مکت ماندگار معرفی شدند، نتایج زیر قابل بحث و بررسی است:

- در تمامی این مقاطع نفوذپذیری به درون ساختمان وجود دارد.

- شفافیت به معنای دیدن درون و برعکس، مفهومی نسبی است.

- لبه در تمامی مقاطع، نیمه‌محصور گزارش شده است.

- در این مقاطع، الگوی رابطه با شهر به شکل «ورودی-سکوی ورودی-پلکان-پیاده‌راه» گزارش شده است. یعنی هم ورود به بنا دارای سلسله‌مراتب فضایی است و هم در محل ورودی فضایی برای مکت وجود دارد.

- عمق دید در این لبه‌ها عمیق است.

- همچنین مقاطع ۷، ۹ و ۱۰ با بیشترین فعالیت پذیرنده معرفی شدند. ویژگی‌های فرمی این مقاطع بدین ترتیب قابل بحث و بررسی هستند:

- هر سه مقطع نفوذپذیری ندارند.

- شفاف‌اند، یعنی از بدنه و نمایی با قابلیت دیده‌شدن داخل تشکیل شده‌اند.

- محصور نیستند، اما با عناصر غیرمعماری نظیر پل عابر یا درختان تا اندازه‌ای محصور شده‌اند و این محصوریت نسبی شرایط مطلوبی برای رویداد فعالیت‌های پذیرنده ایجاد کرده است.

- الگوی رابطه با شهر «دیوار-پیاده‌راه» و یا «ویترین-پیاده‌راه» است؛ یعنی با داخل ارتباط ندارند و در دسترس سریع رهگذران قرار دارند.

- محصوریت، به معنای آن که امکان پناه گرفتن و تسلط فضایی بی سابقه فراهم شود.
- نفوذپذیری، به معنای آن که امکان کشف کردن بی سابقه فراهم شود.
- رابطه، به معنای آن که امکان تجربه بی سابقه و حرکت کردن فراهم شود.
- پرسپکتیو، به معنای آن که وسعت دید بی سابقه فراهم شود (تصویر ۶).

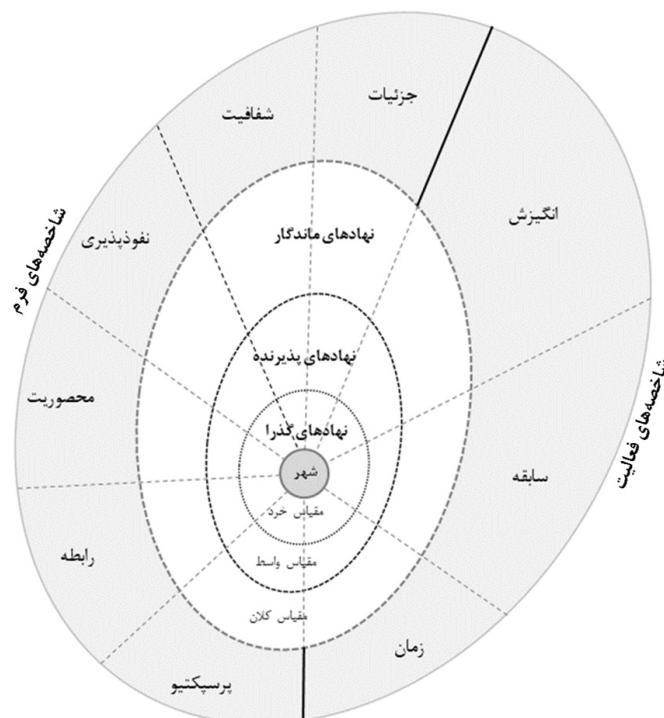
نتیجه گیری

واژه «نهاد» در این پژوهش در قالب مجموعه‌ای از روابط آشکار و پنهان که نقشی محوری در پیوستگی ساختمان و شهر دارد تعریف شد. نقشی که مقیاس کلان عوامل معنایی پیوستگی ساختمان و شهر، یعنی عواملی که ناشناخته هستند؛ نظیر آرزوهای انسانی را با عوامل مقیاس خرد، یعنی ویژگی‌های عینی فعالیت و فرمی یا الگوهای جاری رفتار و محیط فیزیکی پیوند می‌دهد. در این تعریف، نهاد همان عوامل اجتماعی پیوستگی ساختمان و شهر است که قابل رویت است و به آنچه پنهان می‌ماند «نا-نهاد» گفته می‌شود. نا-نهادهای ایده‌های زاینده‌ای هستند که نهادهای را به وجود می‌آورند و تغذیه می‌کنند؛ نظیر ایده‌های مربوط به زمینه‌های فرهنگی، آداب و رسوم، باورها، تمام آنچه که انسان‌ها را بهم مرتبط می‌کند. آن فرم و فعالیت‌هایی که از روابط انسانی دیده می‌شود را نهاد می‌گوییم؛ چراکه هیچ فعالیت‌هایی بدون جایی که در آن روی می‌دهد، قابل تصور نیست. به عنوان مثال صحبت کردن دو نفر در لحظه، در وضعیتی، در مکانی و با حالتی روی می‌دهد که «نهاد

یا داستان‌هایی که در ذهن داریم و با آن‌ها حرکت می‌کنیم. سر کار می‌رویم، دانشگاه می‌رویم، خرید می‌کنیم. نا-نهادهای سیال‌اند، همراه ما از خانه بیرون می‌آیند و از فضایی به فضایی دیگر برده می‌شوند. در لحظه‌ای که در قالب فعالیت‌های بروز یابند، تلاقی‌ای بین زمان و مکان صورت می‌گیرد، به نهاد تبدیل می‌شوند و شناخته می‌شوند. بنابراین هر لحظه می‌توان نهاد جدیدی تولید کرد. نا-نهادهای چیزی شبیه حباب‌های پیرامون افراد هستند که با آن‌ها حمل می‌شوند و از جایی به جایی دیگر برده می‌شوند. این حباب‌ها دارای فرم‌های بالقوه‌ای هستند که در لحظه بروز از طریق یک فعالیت، در زمان و مکان جاری می‌شوند.

براین اساس شاخص‌های نهاد اساساً عواملی کیفی هستند که از طریق تجربه مستقیم و بی‌واسطه فضا قابل ادراک هستند. عواملی که در کنار هم، ویژگی‌های نهاد را توصیف می‌کنند و پل ارتباط و اتصال با نا-نهادهای هستند. به میزانی که نهادهای شکل یافته در لحظه فرصت و اجازه تعامل با هسته سخت درون بنا را بیابند، فعالیت‌های توأم با مکث ماندگار روی خواهد داد. فعالیت‌های ماندگار در جایی روی می‌دهند که شاخص‌های فرمی نهادهای، با آرزوهای انسانی تعامل کنند و برای حضور انسان‌ها طراحی شده باشند. بنابراین مؤلفه‌های فرمی تأثیرگذار بر پیوستگی درون ماندگار ساختمان و شهر بدین شکل قابل تعریف هستند:

- جزئیات، به معنای آن که مقیاس انسانی بی سابقه فراهم شود.
- شفافیت، به معنای آن که امکان آگاهی یافتن بی سابقه از درون فراهم شود.



تصویر ۶. شکل‌گیری نهادها از برهم‌کنش شاخصه‌های فرمی و فعالیت‌هایی در هر سه مقیاس خرد، واسط و کلان. مأخذ: نگارندگان.

۹. Third place

۱۰. از نظر لویی کان نهادهای انسانی از آرزوهای اصلی انسانی سرچشمه می‌گیرند. کان مدرسه را نمونه‌ای از نهادها، که از آرزوی یادگیری سرچشمه می‌گیرد معرفی می‌کرد (غریب‌پور، ۱۳۸۹).

۱۱. شبکه معنا (dispositif) یک اصطلاح کلیدی در تجزیه و تحلیل قدرت مدرن است که توسط فوکو در سال ۱۹۷۵ م. مطرح و توسعه یافته و به او برای ردیابی راه‌های مختلفی که انسان‌ها به‌عنوان سوژه و ابژه روابط قدرت تغییر شکل می‌دهند، کمک کرده است (Boano, 2017, 116). شبکه معنا به معنی واقعی کلمه هر چیزی است که به‌نوعی ظرفیت تسخیر کردن، جهت‌دهی، تعیین کردن، جدا کردن، سرمشق، کنترل یا ایمن کردن ژست‌ها، رفتارها و ایده‌ها یا گفتمان موجودات زنده را داشته باشد، خواننده می‌شود (آگامبن، ۱۳۹۴).

۱۲. immanent

۱۳. subject

۱۴. transcendent

۱۵. construct

۱۶. Foucault

۱۷. Agamben

۱۸. profanation

۱۹. inoperative

۲۰. emancipatory

۲۱. ethnography

۲۲. grounded theory

۲۳. منظور از آگاهی بی‌واسطه، آگاهی ایست که از قبل تعریف شده و مشخص نباشد. مولانا این مطلب را این‌گونه بیان می‌کند: «جان نباشد جز خبر در آزمون/ هر که را افزون خبر جانش فروز».

۲۴. Vikas Mehta

۲۵. «metaphor» از ریشه هندواروپایی «bher» و مترادف «transfer» است (American Heritage Dictionary, 2001). متافور در یونان باستان وسیله‌ای بوده که مردم با آن در شهر جابجا می‌شده‌اند. این بدین معناست که در واقع متافورها و داستان‌ها که متافورند همه روزه مردم را جابه‌جا می‌کنند و مکان‌ها را شکل می‌دهند و به هم وصل می‌کنند (De Certeau, 1988, 51).

فهرست منابع

- آگامبن، جورجیو. (۱۳۹۴). نشانگر همه چیزها (ترجمه علی فردوسی). دیپاچه. (اثر اصلی منتشره ۲۰۰۹)
- آگبرن، ویلیام فیلدینگ و نیم کوف، مایرفرانسیس. (۱۳۸۸). زمینه جامعه‌شناسی (ترجمه امیرحسین آریانپور). گستره. (اثر اصلی منتشره ۱۹۶۶)
- حیدری، میلاد؛ ملک‌افضلی، علی‌اصغر و میرمقتدایی، مهتا. (۱۴۰۱). تبیین مفهوم پیوستگی درون‌ماندگار ساختمان و شهر؛ به‌سوی یک معماری نا-نهاد. گفتمان طراحی شهری؛ مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر، ۳ (۴)، ۷۴-۹۱. <http://udd.modares.ac.ir/article-40-63848-fa.html>
- شاکری، محمدمامین و میرزایی، آزاده. (۱۳۹۴). معرفت‌شناسی زبانی درون‌ماندگار نزد سوسور و یلمزلف: یک بررسی تطبیقی. علم زبان، ۳ (۵)، ۱۱۷-۱۳۹. <https://doi.org/10.22054/ls.2016.7522>
- غریب‌پور، افرا. (۱۳۸۹). مفهوم عملکرد در اندیشه لویی کان. صفه، ۲۰ (۲)، ۳۱-۴۰. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100389.html?lang=fa
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۱). فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری با تکیه بر مطالعات شهر تهران. مؤسسه تیسسا ساغر مهر.
- قهرمان، میثم. (۱۳۹۹). روش فوکو به‌مثابه سوژه‌شدن و توسعه یک زیست درون‌ماندگار نقد و بررسی کتاب تبارشناسی خاکستری است: تأملاتی درباره روش فوکو. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم

دوستی» را شکل می‌دهد و یا «نهاد خانواده» بدون خانهای که روابط انسانی در آن روی دهد، قابل تصور نخواهد بود.

نهادها در درون خود دارای نظم، هدف و مسئولیت برای اعضا هستند. در صورت تکرار نهادها در طول زمان یا مشمول روزمرگی شدنشان، درون شبکه معنا قرار می‌گیرند و استحاله می‌شوند. از این زمان به بعد در قالب «نهاد رسمی» به حیات خود ادامه می‌دهند. تبیین مفهوم «نا-نهاد» به جهت‌رهایی بخشی مفهوم «نهاد» از قید تعاریفی است که در اثر تکرار و روزمرگی بر پیکر آن می‌نشیند. چراکه با قرار گرفتن مفاهیم درون شبکه معنا، قدرت زاینده‌گی خود را از دست خواهند داد. رهایی بخشی با این هدف که تکرار آن‌ها که امری اجتناب‌ناپذیر است، تکراری با تفاوت باشد.

از نظر فوکو و آگامبن این استراتژی قدرت و دنیای مدرن است که مفاهیم، از جمله نهادها، اجتماعی به جهت مدیریت آن‌ها و افزایش بهره‌وری، درون شبکه‌های معنا محبوس می‌شوند. این موضوع از نظر این پژوهش بر فضا هم اثرگذار است. چراکه براساس مطالعات انجام‌شده -در زمینه‌ای با شهرسازی مدرن و ساختمان‌های زیبا و دارای تنوع کاربری، حدود ۸۰ درصد از فعالیت‌های توأم با مکث در لبه‌ها از نوع گذرا و پذیرنده هستند و تنها ۲۰ درصد از فعالیت‌های مشاهده شده از نوع ماندگار گزارش شدند.

بنابراین شاخص‌های نهاد معیارهایی عینی جهت شناخت نهادها هستند. عواملی که در کنار هم، ویژگی‌های نهاد را توصیف می‌کنند. پل ارتباط و اتصال ما با نا-نهادها هستند. از این‌رو پیوستگی درون‌ماندگار ساختمان و شهر به معنای آن است که چه میزان نا-نهادها در لبه ساختمان‌ها امکان بروز یافته‌اند. شهری که بیشتر امکان بروز به نا-نهادهای خود بدهد، پیوسته‌تر به نظر خواهد رسید.

عدم تعارض منافع

نگارندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منفعی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. واژه نهاد در لغت به معنای طبیعت، سرشت، ذات و همچنین سازمان، بنیان، اساس، مراسم، آیین، آداب است (معین، ۱۳۷۱). این واژه مترادف با «nature» و از ریشه هندواروپایی «gen» است. معادل انگلیسی این واژه، یعنی «institution» نیز به معنای یک رسم، عمل، رابطه یا الگوی رفتاری مهم در زندگی یک جامعه یا اجتماع، یک سازمان یا بنیاد مستقر، به‌ویژه سازمانی که به آموزش، خدمات عمومی یا فرهنگ اختصاص دارد، است (American Heritage Dictionary, 2001).

۲. processes

۳. positivism

۴. edge effect

۵. ground floor facade

۶. Public life

۷. Lefebvre

۸. Oldenburg

University of California. https://books.google.com/books/about/The_Practice_of_Everyday_Life.html?id=-Csl_AAoUT8C

- Frost, T. (2019). The Dispositif between Foucault and Agamben. *Law, Culture and the Humanities*, 15(1), 151-171. <https://doi.org/10.1177/1743872115571697>
- Gehl, J. (2006). Close Encounters with buildings. *Urban Design International*, 11(29), 29-47. <https://doi.org/10.1057/palgrave.udi.9000162>
- Hassan, D. M., Moustafa, Y. M., & El-Fiki, Sh. (2019). Ground-floor façade design and staying activity patterns on the sidewalk: A case study in the Korba area of Heliopolis, Cairo, Egypt. *Ain Shams Engineering Journal*, 10(3), 453-461. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2018.12.006>
- Heffernan, E., Heffernan, T. & Pan, W. (2014). The relationship between the quality of active frontages and public perceptions of public spaces. *Urban Des Int*, 19, 92-102. <https://doi.org/10.1057/udi.2013.16>
- Joyce, T., & Guaralda, M. (2013) Life on the edge: The effects of building facade three dimensionality on public social behaviour. *In_Bo: ricerca e progetti per il territorio, la città e l'architettura*, 4 (1), 158-173.
- López, T. G. (2003). *Influence of the public-private border configuration on pedestrian behaviour: The case of the city of Madrid* [Unpublished doctoral dissertation]. Escuela Técnica Superior de Arquitectura de Madrid (UPM).
- Simpson, J., Freeth, M., Simpson, K. J., & Thwaites, K. (2018). Visual engagement with urban street edges: insights using mobile eye-tracking. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 12(3), 259-278. <https://doi.org/10.1080/17549175.2018.1552884>

انسانی، ۲۰، (۹)، ۱۹۷-۲۱۵. <https://www.sid.ir/paper/390079/fa>

- کارمونا، متیو؛ تیم، هیت؛ تنراک و تیسدل، استیون. (۱۳۸۸). مکان‌های عمومی، فضاها، شهر: ابعاد گوناگون طراحی شهری (ترجمه فریبا قرائی، زهرا اهری، اسماعیل صالحی و مهشید شکوهی). دانشگاه هنر. (اثر اصلی منتشره ۲۰۰۳)
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در معماری (ترجمه علیرضا عینی‌فر). دانشگاه تهران. (اثر اصلی منتشره ۲۰۰۲)
- گل، یان و سوار، برجیت. (۱۳۹۵). چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم (ترجمه مصطفی بهزادفر و محمد رضایی ندوشن و احمد رضایی ندوشن). علم معمار روپال. (اثر اصلی منتشره ۲۰۱۳)
- گل، یان. (۱۳۹۶). زندگی میان ساختمان‌ها (ترجمه علی اکبری، فرشته کریمان و نسترن محرابی). پرهام نقش. (اثر اصلی منتشره ۱۹۷۱)
- لنگ، جان. (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (ترجمه علیرضا عینی‌فر). دانشگاه تهران. (اثر اصلی منتشره ۱۹۸۷)
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۷). فضاها، عمومی و خصوصی شهر (ترجمه فرشاد نوریان). شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری. (اثر اصلی منتشره ۲۰۰۳)
- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی معین. امیرکبیر.
- مهتا، ویکاس. (۱۳۹۸). خیابان: کامل‌ترین نمونه فضای عمومی اجتماعی (ترجمه ژیل خالیدیان و آرمین پیاب). آذرخش. (اثر اصلی منتشره ۲۰۱۳)
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۳). گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان (ترجمه ویدا نوروزبrazجانی). پرهام نقش. (اثر اصلی منتشره ۱۹۸۸)
- American Heritage Dictionary. (2001). *The American Heritage Dictionary of the English Language* (4th ed.). Houghton Mifflin Harcourt.
- Boano, C. (2017). *The Ethics of a Potential Urbanism: Critical Encounters between Giorgio Agamben and Architecture*. Routledge.
- De Certeau, M. (1988). *The Practice of Everyday Life*.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

حیدری، میلاد؛ ملک افضل، علی اصغر و میرمقتدایی، مهتا. (۱۴۰۳). تبیین مفهوم نا-نهاد و نقش آن در ایجاد پیوستگی درون‌ماندگار ساختمان و شهر (مطالعه موردی: لبه ساختمان‌های محدوده مسجد جامع شهرک غرب تهران). *باغ نظر*، ۲۱(۱۳۸)، ۴۱-۵۴.

DOI: 10.22034/BAGH.2024.474768.5655

URL: https://www.bagh-sj.com/article_208594.html

